

Islam's Attitude towards Childbearing and Population Increase; Quantity or Quality?

Mohammad Javad Saqqaye Biriya¹, Ali Abu Torabi², Ismail Cheraghi Kotiani³

Abstract

Increasing the number of children in the Islamic society is strongly encouraged by Islamic texts. Now, the question is whether the Qur'an and hadiths have also paid attention to improving the quality of offsprings and children. It is clear that this issue will affect the size of the family and the population of Muslims. By looking at the texts, it is clear that the quality of offsprings has certainly been taken into consideration. However, to what extent one should seek to improve the quality of his generation and what quality indicators can be used to monitor it, are matters that need further research. This research aims to answer the question of what is more important from the perspective of Islam: the number of children and population increase, or the quality of generation. The research method in terms of data collection is library-based, and in terms of problem solving is the descriptive-analytical-interpretive.

The most important findings of the research are: 1. Increasing the number of children is the first demographic principle; 2. In parallel with this principle, promoting "quality" is another demographic principle related to having children, and these two principles should go hand in hand; 3. The most important indicators of child quality from the perspective of the Qur'an and hadiths are as follows: having faith, sincerity in worship, love for the Household of the Prophet (peace be upon them), piety and kindness to parents and the leadership of the pious.

Keywords: Marriage, Reproduction, Childbearing, Birth, Demography, Population Quality, Population Quality Indicators

1- Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran, mjbiria@iki.ac.ir

2- Assistant Professor, Department of Psychology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran, aliaboutorabi1400@gmail.com

3- Assistant Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran, esmaeel.chraghi@gmail.com





تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۱۷

20.1001.1.30605644.1403.4.2.4.9

10.22034/arq.2024.206183

نوع مقاله: علمی پژوهشی

نگرش اسلام به فرزند و جمعیت؛ کمیت اصل است یا کیفیت؟

محمدجواد سقای بی‌ریا^۱

علی ابوترابی^۲

اسماعیل چراغی کوتیانی^۳

چکیده

افزایش کمیت فرزندان در جامعه اسلامی مؤکداً مورد تشویق متون اسلامی است. اکنون، پرسش آن است که آیا قرآن و روایات به ارتقای سطح کیفیت فرزندان نیز توجه داشته‌اند. بدیهی است که این مسئله بر اندازه خانواده و جمعیت مسلمانان تأثیرگذار خواهد بود. با نیم‌نگاهی به متون، معلوم می‌شود که کیفیت فرزندان نیز قطعاً مدنظر بوده است؛ اما اینکه تا چه حد باید در پی ارتقای کیفیت بود و با کدام شاخص‌های کیفیت می‌توان آن را رصد کرد، نیازمند بررسی‌های بیشتر است. هدف از انجام این پژوهش، پاسخگویی به این پرسش است که در نگرش اسلام به فرزند و جمعیت، تعداد فرزندان اصل است یا کیفیت آنان. روش ما در گردآوری داده‌ها، کتابخانه‌ای و در حل مسئله، توصیفی - تحلیلی - تفسیری است. مهم‌ترین نتایج عبارت‌اند از: ۱. افزودن بر کمیت فرزندان، نخستین اصل جمعیتی است؛ ۲. به موازات این اصل، ارتقای «کیفیت»، اصل جمعیتی دیگری است که با فرزندآوری مرتبط است و این دو اصل باید به موازات یکدیگر پیش روند؛ ۳. مهم‌ترین شاخص‌های اثباتی برای کیفیت فرزند از دیدگاه

۱- استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران، mjbiria@iki.ac.ir

۲- استادیار گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران، aliboutorabi1400@gmail.com

۳- استادیار، گروه جامعه‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره، قم، ایران، esmaeel.chraghi@gmail.com



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.



است یا مشخصاً فرزند را یک کالای اقتصادی می‌دانستند (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۷: ۶۰ - ۵۵). حال، باید دید قرآن و روایات به کدام قسم از شاخص‌های کیفیت - مادی یا معنوی - پرداخته‌اند و بر کدام بیشتر تأکید کرده‌اند. مقصود از «روش تفسیری»، در این پژوهشی، روشی است که از آن در فهم مفاد استعمالی آیات قرآن و کشف مراد جدی خداوند و مقاصد الهی از آن‌ها (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۱: ۴) بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول محاوره عقلایی استفاده می‌شود (رجبی، ۱۳۹۱: ۹). ضمناً برای بررسی اعتبار سندی روایت‌های مورد استناد، از بررسی‌های سندی نرم‌افزار درایة النور نسخه ۱/۲ تولیدی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) استفاده کرده‌ایم.

این پژوهش، دارای سه هدف است: ۱. داوری بین طرفداران فرضیه‌های مختلف درباره این مسئله؛ ۲. کشف برخی شاخص‌های کیفی فرزند - در برابر شاخص کمی آنان - از منظر قرآن و روایات؛ ۳. بصیرت دهی به آحاد جامعه اسلامی و دولت‌های آن در مورد زمینه‌سازی برای دستیابی فرزندان به کیفیت‌های مطلوب. علی‌رغم جستجو در منابع و مدارک علمی، به هیچ اثری که با منبع قرار دادن قرآن و روایات بیانگر این مسئله باشد، دست نیافتیم. با این حال، به پاره‌ای از آثار مرتبط با آن اشاره می‌کنیم:

بانکی‌پور فرد (۱۴۰۱) اعلام کرد در قانون جوانی جمعیت، در کنار کمیت به کیفیت هم پرداخته شده است. وی بیان کرد که با کاهش جمعیت، نخبگان کشور هم کاهش یافت و این یعنی تأثیر کمیت بر کیفیت.

بردستانی (۱۴۰۰) به شاخص‌های متداول کیفیت زندگی از قبیل افزایش اقتدار خانواده و جامعه، یاریگر و تسهیل‌کننده مشکلات بودن، رفتار نیکو، عزت و شادکامی پرداخته است. آنچه در این پژوهش آمده است کاملاً متفاوت با این شاخص‌هاست.

توانا (۱۳۹۸) در پایگاه اطلاع‌رسانی *راسخون*، با استفاده از برخی روایات مبنی بر مطلوب بودن تکثیر فرزند و تربیت صحیح آنان، چنین نتیجه گرفته است که نه تنها کمیت فرزندان مانع از تربیت صحیح آنان نمی‌شود بلکه به آن کمک نیز می‌کند.

توکلی (۱۳۹۵) آورده است که مدافعان کاهش جمعیت، افزایش کیفی آن را مهم‌تر از افزایش کمی می‌دانند و بین رشد کمی جامعه و نوآوری آن رابطه مثبت برقرار می‌دانند.

درویشی و نامداری (۱۳۹۹) معتقدند که بین اندازه خانواده و کیفیت آن ارتباط منفی غیرخطی وجود دارد. البته این ارتباط برای همه فرزندان یکسان نیست و برای تولدهای تا سوم این میزان کمیت مکمل کیفیت است.

چراغی کوتیانی (۱۳۹۷) توجه به ابعاد کمی و کیفی جمعیت را در کنار یکدیگر ضروری دانسته است. در سیاست‌های کلی جمعیت (۱۳۹۳) چنین آمده است: «رصد مستمر سیاست‌های جمعیتی در ابعاد کمی و کیفی با ایجاد سازوکار مناسب و تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی و انجام پژوهش‌های جمعیتی و توسعه انسانی» که در آن به کمیت و کیفیت در کنار هم و تدوین شاخص‌های بومی توسعه انسانی اشاره شده است.

عرب (۱۳۹۲) به نقل از یکی از اندیشمندان، فراوانی فرزندان را - اگر مانع از تربیت صحیحشان باشد - مطلوب نمی‌داند. وی به نقل از اندیشمند دیگری، نفی مطلوب بودن ذاتی فرزند آوری یا توجه صرف به کیفیت فرزند، نه کمیت آن را به لحاظ اسلامی بی‌مبنا می‌داند.

سیدمیرزایی (۱۳۷۶) تلویحاً پذیرفته است که در نگاه اسلام، ابعاد کمی و کیفی زندگی اجتماعی باید تحقق یابد راه دستیابی به چنین حالتی «عدالت» است. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (بی‌تا) کمیت جمعیت را بر سلامت اعم از جسمی، اخلاقی، تربیتی، روانی و اجتماعی تأثیرگذار دانسته است که همگی از کیفیات به شمار می‌آیند.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حضرت آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی (بی‌تا) در بحثی کلی آورده است که قرآن همه‌جا کیفیت را بر کمیت مقدم می‌دارد که قاعدتاً در فرزند آوری نیز مصداق می‌یابد.

پایگاه ایکس شبیه (بی‌تا) با بیان برخی آیات و روایات، اجمالاً به پاسخ به این شبهه پرداخته است که فرزند کمتر موجب کیفیت بهتر آن می‌شود. نتیجه همان است که ما آورده‌ایم؛ یعنی کمیت و کیفیت هر دو مقوله‌ای مهم هستند.

به‌طور کلی، در متناسب‌سازی نظریه‌های مشهور جمعیتی با بحث کمیت و کیفیت، می‌توان نظریه‌های کاهش جمعیت، مثل نظریهٔ مالتوس را کیف‌گرا معرفی کرد؛ چراکه وقتی منابع بیشتری برای افراد کمتری تخصیص داده شود، طبیعتاً بر کیفیت جمعیت افزوده خواهد شد؛ اما نظریه‌های افزایشی را می‌توان تا حدود زیادی کمیت‌گرا به حساب آورد.

در ارزیابی کلی این آثار، اساساً منبع برخی از این پژوهش‌ها قرآن و روایات نبوده و برخی که صبغهٔ اسلامی دارند، مسئله را بسیار سر بسته بیان کرده‌اند. هر چند برخی از پژوهش‌ها، قرآن و روایات را منبع قرار داده‌اند؛ اما استفادهٔ گسترده از آیه‌ها و روایاتی که به نحوی با مسئلهٔ مزبور ارتباط دارند، می‌تواند به‌عنوان نوآوری روشی این پژوهش لحاظ شود که جای آن در دیگر پژوهش‌ها خالی است.

از یک طرف، جملهٔ کوتاه و جذاب «کیفیت بر کمیت مقدم است» می‌تواند تأثیر عمیقی بر اذهان افراد جامعه، رفتارهای فرزند خواهی و فرزند آوری آنان داشته و نهایتاً ساختار جمعیت جامعه را دچار تغییر اساسی کند و در عمل آن را به سمت کاهش هرچه بیشتر سوق دهد؛ بنابراین بررسی این مسئله حائز اهمیت است. از طرف دیگر، این مسئله با ضعف ادبیات پژوهشی مواجه است. از ترکیب اهمیت ذاتی و فقدان پیشینهٔ لازم، ضرورت انجام این پژوهش حاصل می‌شود. واژهٔ «جمعیت» اصطلاح جمعیت‌شناختی که بسیار به معنای لغوی اخیر نزدیک است، به تجمعی از انسان‌ها گفته می‌شود که در منطقه‌ای مشخص (روستا، شهر، شهرستان، استان یا کشور) به‌صورت مستمر و غالباً به شکل مجموعه‌ای از خانوارها زندگی می‌کنند (کاظمی‌پور، ۱۳۸۸: ۳) و پایگاه سیاسی، شرایط ملی و قومی یکسانی دارند (پورعیسی چافجیری، ۱۳۹۵: ۱۷).

واژهٔ «اصل» در لغت به معانی بنیاد، ریشه، اساس و پایهٔ کار، مهم و مقابل فرع به کار رفته است (شهیدی و همکاران، ۱۳۷۳، ۲: ۲۳۸۸) و مراد از آن در این پژوهش، امر مهم در برابر «فرع»^۱ به معنای چیزی است که در درجهٔ دوم اهمیت قرار دارد. از آنجا که یکی از محورهای اصلی پژوهش، دربارهٔ «شاخص‌های کیفی جمعیت» است، شایسته است واژهٔ «شاخص» را نیز مفهوم‌شناسی و تعریف کنیم. شاخص در

اصطلاح عبارت است از معیاری برای ارزیابی، ارزشیابی، سنجش و اندازه گیری متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی. محققان، شاخص رارکن پنجم فرایند برنامه ریزی دانسته اند. این ارکان عبارت اند از: هدف، روش، وسیله، نظام و معیارهای ارزشیابی. شاخص مشخص می کند که آیا در سمت هدف حرکت می کنیم یا فعالیت ما به هدر می رود (چراغی کوتیانی، ۱۴۰۰: ۱۱۸)؛ بنابراین مقصود از شاخص کیفیت فرزند و جمعیت، هر پدیده ای است که به فهم بهتر کیفیت آن ها کمک می کند؛ مانند سلامت، رفاه، تفریح، تربیت و ایمان.

۲. کمیت جمعیت

برخی آیه های قرآن و برخی روایات، به شکلی غیرصریح بر مطلوب بودن افزایش جمعیت دلالت دارند که در ادامه به برخی از آن ها می پردازیم:

۲-۱. وجود رابطه همسری در متن آفرینش انسان

شاید یکی از روشن ترین آیه ها در این زمینه، آیه ای باشد که می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً» (نساء: ۱)؛ ای مردم! از (مخالفت) پروردگارتان پرهیزید! همان کسی که همه شما را از یک انسان آفرید و همسر او را (نیز) از جنس او خلق کرد؛ و از آن دو، مردان و زنان فراوانی (در روی زمین) منتشر ساخت.

جمله اخیر این آیه، به روشنی می رساند که منتشر شدن جمعیت فراوان انسان ها روی زمین، در اثر ارتباط زناشویی دو همسر نخستین بوده و این رابطه به منظور تکثیر نسل انسان، در متن آفرینش آن دو و نسلشان (ر.ک. سجده: ۷، ۸) نهاده شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ج: ۲۰۸).

۲-۲. مأمور بودن آحاد جامعه اسلامی به آماده سازی نیرو در حد توان

آیه دیگری، به مردم در جامعه اسلامی فرمان می دهد تا هر نیرویی که در توان دارند برای مقابله با دشمن مهیا سازند؛ آنجا که می فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال: ۶۰)؛ هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن ها [دشمنان]، آماده سازید! اگر نگوئیم که نیرو منطبق بر نیروی جمعیتی است؛

آن گونه که از برخی آیات برداشت می شود (کهف: ۹۵)، دست کم یکی از موارد قوه، موالید است. برخی مفسران نیز ذیل آیه ۶۰ سوره انفال، «ما استطعتم» را عام و شامل هر نیرو دانسته اند (ر.ک. شاذلی، ۱۴۱۲ ق، ۳: ۱۵۴۳؛ مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ۳: ۴۹۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۷: ۲۲۲؛ مدرسی، ۱۴۱۹ ق، ۴: ۸۶؛ زحیلی، ۱۴۱۸ ق، ۱: ۸۱۷). گفتی است که اشاره به مادیان های جنگی در ادامه آیه، باعث نمی شود که عمومیت «ما» در عبارت «ما استطعتم من قُوَّة» به مسائل جنگی اختصاص داشته باشد و نسبت به دیگر نیروها فراگیر نباشد؛ بنابراین آیه مزبور شامل هر نیرویی، از جمله نیروی ناشی از جمعیت پرشمار و جوان نیز می شود. کلامی از رهبر معظم انقلاب اسلامی، به روشنی بر شمول قُوَّت نسبت به نیروی جمعیتی دلالت دارد: «هرچه می توانید قُوَّت را زیاد کنید. حالا این قُوَّت در وهله اول، در نگاه اول، ممکن است قُوَّت نظامی به نظر برسد، لکن ظاهراً خیلی وسیع تر از دامنه قُوَّت نظامی است... فرض کنید امروز حفظ جمعیت جوان کشور یکی از ابزارهای قُوَّت است؛ اینکه بنده زیاد روی موالید تکیه می کنم، به خاطر این است» (خامنه ای، ۱۳۹۹).

۲-۳. فرزندان فراوان؛ پاداش استغفار

اگر کسی به دیگری وعده ای دهد، بی شک آن کار یا چیز نزد هر دوی آنها مطلوب است. حال به آیه های ۱۰ تا ۱۲ سوره نوح علیه السلام مراجعه می کنیم؛ آنجا که خطاب به خداوند عرض می کند: «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا، يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا، وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا»؛ به آنها گفتم: «از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما فرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ های سرسبز و نهادهای جاری در اختیارتان قرار دهد!»

از این آیه ها - به ویژه آیه دوازدهم - چنین برمی آید که فراوانی کمیت فرزندان، در کنار وعده به بارش باران های پربرکت، باغ های سرسبز و نهادهای جاری، یکی از پاداش های خوشایندی است که خداوند به استغفار کنندگان عطا خواهد کرد؛ بنابراین افزایش کمیت فرزندان - که از نکره بودن «بنین» قابل استفاده است - برای خداوند و فرد استغفارکننده، ارزشمند و مطلوب است.

۲-۴. مباهات پیامبر خدا به کثرت امت اسلامی

سه مورد قبل، شواهدی قرآنی بر مطلوبیت کثرت فرزند آوری بود. در روایات نیز شواهدی بر این مطلب وجود دارد که در ادامه به دو مورد از آنها می‌پردازیم. در روایتی معتبر، امام صادق علیه‌السلام از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله چنین نقل فرموده است: «أَكثِرُوا الْوَلَدَ أَكْثَرِيكُمْ الْأُمَّمَ غَدًا» (کلینی، ۱۴۲۹، ق، ۱۱: ۳۲۸)؛ بر شمار فرزندان‌تان بیفزایید؛ چراکه فردا [ای قیامت] من به [کثرت] شما بر دیگر امت‌ها مباهات خواهم کرد. بنا بر ظاهر این روایت، امر «اُكْثِرُوا» بر افزایش کمی جمعیت، دلالت دارد و این معنا با فعل «اُكْثِرُوا» که از ماده کثرت گرفته شده است، تأکید می‌شود. البته، این حدیث و نظایر آن مطلوب بودن پرداختن به کیفیت را نفی نمی‌کنند.

امام سجاد علیه‌السلام در فراز چهارم از دعای بیست و پنجم صحیفه سجادیه، از خداوند درخواست فرزندان فراوان دارد و عرض می‌کند: «اللَّهُمَّ... كَثِّرْ بِهِم عَدَدِي»؛ خدایا! به فرزندانم... بر شمارم بیفزا. قابل ذکر است که در منابع تاریخی، تعداد فرزندان امام زین‌العابدین علیه‌السلام تا ۱۵ فرزند نقل شده است (مفید، ۱۴۱۳، ق، ۲: ۱۵۵). ایشان همچنین در فراز دوم از دعای دوم، به‌خاطر فزونی یافتن جمعیت مسلمانان بر دیگر امت‌های کم‌جمعیت، خداوند را شکر می‌گوید: «وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي... كَثَّرْنَا بِمَنِّهِ عَلَيَّ مِنْ قَلِيلٍ». هر دوی این فرازها، به‌روشنی بر مطلوب بودن فرزند آوری فراوان و افزایش جمعیت دلالت دارند (سقایی بی‌ریا، ۱۴۰۲: ۲۲، ۲۳). در این دعاها افزایش فرزندان به نحو جزء العله و تعدد مطلوب در کنار ارتقای کیفی فرزندان، مورد درخواست امام علیه‌السلام بوده است؛ یعنی ایشان هم افزایش تعداد فرزندان را از خداوند درخواست کرده است و هم وجود برخی صفات کیفی را در آنان طلب نموده است.

۳. کیفیت جمعیت

اگر بتوانیم به تعریف قرآن از «کیفیت زندگی» دست‌یابیم، به‌راحتی می‌توان از آن طریق، شاخص‌های کیفیت جمعیت را استخراج کرد.

۳-۱. تعریف کیفیت زندگی در قرآن

خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال: ۲۴)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! دعوت خدا و پیامبر او را اجابت کنید؛ هنگامی که شما را به سوی چیزی می‌خواند که شما را حیات می‌بخشد. به‌راستی چه چیز انسان را زندگی می‌بخشد؟ مگر انسان پیش از اجابت این دعوت مرده است که با اجابت آن، زنده می‌شود؟

در چند آیه قبل، یعنی آیه بیستم از سوره مزبور، قرآن مؤمنان را به فرمان‌برداری از خداوند و فرستاده او و روی نگرداندن از آن‌ها دعوت می‌کند. برخی مفسران معتقدند که اجابت این دعوت، مایه زنده شدن مؤمنان است. وی در ادامه، در توضیح چگونگی زنده شدن مؤمن با این کار، آورده است که اطاعت خدا و رسولش صلی‌الله‌علیه‌وآله مؤمن را از نیستی و نابودی می‌رهاند و حیات روح او را - که حقیقت انسان بدان است - حفظ می‌کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۹: ۴۲).

قرآن در جای دیگری می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً» (نحل: ۹۷)؛ هر کس کار شایسته‌ای انجام دهد، درحالی که مؤمن است، خواه مرد باشد یا زن، او را به حیات پاک زنده می‌داریم. از این بیان، چنین برمی‌آید که رسیدن به این نوع زندگی، هدف حیات دنیایی انسان است. برخی مفسران، محل بروز زندگی پاک را در دنیا دانسته‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ ق، ۲: ۶۳۳)؛ یعنی انسان در جامعه‌ای خواهد زیست که با آرامش، امنیت، رفاه، صلح، دوستی، تعاون و دیگر مفاهیم سازنده انسانی همراه است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۱: ۳۸۹).

بنابراین، برخورداری انسان از زندگی معنوی و واقعی در دنیا یا آخرت، وابسته به ایمان آوردن و اطاعت از خداست. آن‌گونه که برخی صاحب‌نظران بیان کرده‌اند، فرد در صورتی به دیگر فضائل - یا همان کیفیت‌های مثبت انسانی - دست می‌یابد که به خداوند و دیگر اصول دین ایمان داشته باشد؛ چراکه ایمان منشأ، اساس و ریشه همه فضائل و کمالات انسانی است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۲۶۹).

۳-۲. فرزندان باکیفیت

حال که معنای «کیفیت زندگی» اجمالاً مشخص گشت، اگر فرزندان به این

سطح از کیفیت زندگی برسند که از روی ایمان، خداوند و فرستاده او را اجابت و اطاعت کنند، در منطق قرآن، به آنان فرزندان دارای کیفیت گفته می‌شود؛ اما اگر آنان از هر کمال دیگر مادی برخوردار باشند، ولی به این مرحله از کمال انسانی دست نیازند، زندگی آنان نزد قرآن و روایات باکیفیت نیست؛ بنابراین شاخص‌های کیفیت فرزندان و جامعه، عمدتاً ذیل این ملاک کلی (ایمان به خدا و رسول و اطاعت از آن‌ها) تعریف می‌شوند.

۴. شاخص‌های کیفیت جمعیت

اما صرف آگاهی از تعریف «زندگی پاک»، کفایت نمی‌کند بلکه پس از به دست آوردن این تعریف، باید درصدد بود که چه شاخص‌های قرآنی یا روایی نشان می‌دهند که فرزند اکنون در چه سطحی از کیفیت ایستاده است. آیا در میان شاخص‌های کیفیت، شاخص‌های مادی نیز این نقش را ایفا می‌کنند یا فقط شاخص‌های معنوی چنین نقشی دارند؟

۴-۱. شاخص‌های کیفیت مربوط به امور مادی

آیا منابع اسلامی، همانند منابع جمعیت‌شناختی، شاخص‌های مادی کیفیت، همچون سلامت جسم، تفریح، ورزش و رفاه اجتماعی را نیز بیان کرده‌اند. پاسخ آن است که شاخص‌های مادی کیفیت نیز در قرآن مطلوب شمرده شده‌اند. محض نمونه، در آیه‌ای آمده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفَصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (اعراف: ۳۲)؛ بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟! بگو: این‌ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ (اگرچه دیگران نیز با آن‌ها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود. این‌گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاه‌اند، شرح می‌دهیم.

اما در قرآن، تأکید بیشتر و اصلی بر شاخص‌های معنوی کیفیت است و در واقع، کیفیت‌های مادی اگر مقدمه رسیدن بهتر و بیشتر به کیفیت‌های معنوی باشند، مطلوب می‌شوند. شاید بارزترین نمونه قرآنی این مطلب، حکومت سلیمان نبی

علیه‌السلام باشد که در آن او از مواهب فراوان دنیایی برای هدایت مردم و تقویت دین الهی استفاده می‌کرد (نمل: ۴۴).

سرّ این تفاوت بین کیفیت‌های مادی و معنوی، در آن نهفته است که کیفیت‌های معنوی - مثل ایمان - با حقیقت انسان، یعنی روح او، در ارتباط هستند و مستقیماً در سعادت یا شقاوت ابدی او تأثیرگذارند؛ ولی کیفیت‌های مادی - مثل سلامت جسم - چنین جایگاهی ندارند و بدون برخی از آن‌ها نیز سعادت دست‌یافتنی است.

محض نمونه، قرآن در وصف خداوند از زبان ابراهیم علیه‌السلام چنین بازگو می‌فرماید: «وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ» (شعراء: ۸۰)؛ و هنگامی که بیمار شوم، مرا شفا می‌دهد. قطعاً بیماری و سلامت - هنگامی که مربوط به بدن باشند - از کیفیت‌های مادی به شمار می‌آیند. البته، این آیه به اطلاق خود، شامل سلامت و بیماری روان نیز می‌شود که در آن صورت، این دو کیفیت مربوط به بُعد غیرمادی انسان خواهند بود. بیمار بودن منافاتی با سعادت‌مند شدن ندارد؛ زیرا پیامبرانی بوده‌اند که در برهه‌هایی از عمر خویش، به بیماری‌هایی جسمی مبتلا شده‌اند که در قرآن گزارش آن آمده است؛ مانند ایوب (انبیاء: ۸۳)، یعقوب (یوسف: ۸۴) و یونس (صافات: ۱۴۵). دقت شود که خود نعمت‌های مادی کیفیت نیستند، بلکه برخورداری از آن‌ها، کیفیتی مربوط به امور مادی است.

آیات قرآن علاوه بر مواهب طبیعی، مانند تسخیر آسمان، زمین و دریا برای انسان، شامل نعمت‌هایی از قبیل خوراکی‌ها، پوشیدنی‌ها، همسر و فرزندان، خویشان سببی و نسبی، مسکن، مرکب و نعمت‌های مربوط به جمال و زینت نیز می‌شوند.

اگر دستیابی به شاخصی مادی، مثل رفاه، در سطحی خاص، مقدمه و موجب شکل‌گیری ایمان باشد، از آنجا که ایمان مطلوب است، با در نظر گرفتن ارزش ایمان، آن شاخص نیز به‌عنوان مقدمه آن بایسته خواهد بود و اصطلاحاً یکی از نمونه‌های ضرورت بالقیاس فلسفی خواهد بود (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ج: ۱۴۴). در روایتی معتبر از امام صادق علیه‌السلام به نقل از پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

آمده است: «كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۳: ۷۴۸)؛ نزدیک است فقر موجب کفر انسان شود. معنای این حدیث آن است که حداقلی از سطح رفاه اقتصادی برای شکل‌گیری ایمان در فرد لازم است. باین‌حال، اگر رفاه به حد افراط و دنیازدگی برسد، موجب می‌شود که انسان از خداوند غافل شود و ارزش منفی خواهد داشت (علق: ۷). طبیعی است که توصیه به فرزند آوری در این شرایط و برای افراد مختلف، متفاوت خواهد بود.

۴-۲. شاخص‌های کیفیت مربوط به امور معنوی

هنگام مطالعه اکتشافی قرآن و روایات، درمی‌یابیم که آیات و روایات بیانگر شاخص‌های کیفیت مربوط به امور معنوی انسان، به‌قدری فراوان هستند که حتی نام بردن از همه آن‌ها دشوار است. برخی آیه‌ها به امور «ایجابی» پرداخته‌اند که می‌توان آن‌ها را به‌عنوان «شاخص‌های ایجابی کیفیت»^۱ در ارتباط با فرزند تلقی کرد؛ کیفیت‌هایی که شایسته است او در آینده به آن‌ها آراسته شود. برخی دیگر از مستندات، به مواردی «سلبی» اشاره دارند؛ یعنی کیفیت‌هایی که فرزند در یک خانواده مسلمان باید از آن‌ها دور نگاه داشته شود که ما بنا بر محدودیت‌های موجود در زمان و حجم، تنها به قسم نخست خواهیم پرداخت. دقت شود که مقصود از کیفیت، ویژگی‌های کم‌و‌بیش پایدار در روح و روان انسان است؛ به همین جهت از آوردن رفتارهای مثبت (اعمال صالح) اجتناب شده است.

به‌عنوان نمونه برای دسته نخست، در آیه‌های ۴ - ۲ سوره بقره، پرهیزکاری، ایمان به عالم غیب، برپاداشتن نماز، ایمان به همه محتوای وحی الهی و یقین داشتن به آخرت، کیفیت‌هایی هستند که همگی به‌واسطه کیفیت‌های فراگیرتر؛ یعنی «هدایت الهی»، برای مؤمن حاصل می‌شوند (طباطبایی، ۱۳۹۰ ق، ۱: ۴۴). بی‌اعتنایی به حق و حقیقت، مریض دل بودن در اثر اعمال اختیاری پیشین خود، فساد کردن در روی زمین، به سخره گرفتن توده مؤمنان و رابطه داشتن با شیاطین، کیفیت‌هایی هستند که از طریق دو کیفیت فراگیر «کفر» و «نفاق» برای فرد حاصل می‌شوند. در این مجال محدود، بر آن شدیم تا به مهم‌ترین

1- Positive qualitative indicators.

نمونه‌های «کیفیت‌های ایجابی مربوط به امور معنوی» پردازیم و ضمن اشاراتی موارد دیگر را به پژوهش‌های آتی بسپاریم.

پیش از ورود به شاخص‌های کیفیت فرزند و جمعیت، تذکری لازم است: بنا بر آنچه گذشت اسلام دو اصل جمعیتی دارد که باید به موازات یکدیگر پیش روند که عبارت است از:

الف) ایمان

«ایمان» منشأ ارزش دیگر اعمال انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ الف: ۱۱۶) و می‌توان آن را به‌عنوان فراگیرترین شاخص ایجابی کیفیت برای فرزند معرفی کرد. قرآن ایمان را مایهٔ رستگاری انسان دانسته است؛ آنجا که می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ» (مؤمنون: ۱)؛ مؤمنان رستگار شدند. «فلح» در لغت، به معنای باقی ماندن در خیر است (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ۳: ۲۳۳). برخی دیگر از لغویان، معنای «فلاح» را بر پیروزی و دستیابی به آرزو منطبق دانسته‌اند که در دنیا و آخرت محقق می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق: ۶۴۴)؛ از این رو قرآن از والدین می‌خواهد تا تربیت فرزندان‌شان را به‌گونه‌ای سامان بخشند که آنان به‌طور طبیعی، پس از رسیدن به سن شناخت و تشخیص عقلی، با اختیار خود اعتقادات اسلامی (= باور به خداوند یکتا، معاد و نبوت) را بپذیرند و از کفر و نفاق دوری گزینند.

در روایت معتبری از امام صادق علیه‌السلام، ماجرای گفت‌وگوی یوسف علیه‌السلام با برادرش بنیامین چنین نقل شده است: «لَمَّا لَقِيَ يَوْسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَخَاهُ قَالَ: يَا أَحِي، كَيْفَ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَزَوَّجَ النِّسَاءَ بَعْدِي؟ فَقَالَ: إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي، قَالَ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَأَفْعَلُ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۱۰: ۵۸۳)؛ هنگامی که یوسف علیه‌السلام برادرش را ملاقات کرد، گفت: ای برادر! چگونه توانستی بعد از من با زنان ازدواج کنی؟ بنیامین گفت: پدرم مرا [به این کار] امر کرد، او گفت: اگر می‌توانی فرزندی داشته باشی که زمین را با تسبیح گویی خود سنگین کند، این کار را بکن.

از اینکه یعقوب علیه‌السلام چنین توصیه‌ای به بنیامین کرد، معلوم می‌شود که مراد او، فرزندان متعدد بوده است و الا دربارهٔ یک یا دو فرزند عرفاً گفته

نمی‌شود که زمین را با تسبیح خود سنگین کنند. از طرفی، تسبیح فرع ایمان به خداوند است و پس از آن به وجود می‌آید؛ بنابراین این روایت بالملازمه دلالت دارد که ایمان یکی از شاخص‌های کیفیت فرزند است؛ اما اینکه باور به چه چیزهایی را باید در فرزندان ایجاد کرد، قرآن در این باره می‌فرماید: «ءَامَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَ مَلَكَيْهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ» (بقره: ۲۸۵)؛ پیامبر، به آنچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده، ایمان آورده است. (و او، به تمام سخنان خود، کاملاً مؤمن است) و همه مؤمنان (نیز)، به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و فرستادگانش، ایمان آورده‌اند؛ (و می‌گویند): ما در میان هیچ‌یک از پیامبران او، فرق نمی‌گذاریم (و به همه ایمان داریم).

ایمان دارای چندین درجه است؛ برخی روایات برای ایمان هفت درجه ذکر کرده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۳: ۱۰۹). قرآن از انسان می‌خواهد که پیوسته ایمان خود را قوی‌تر از پیش کند؛ آنجا که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي نَزَّلَ عَلَى رَسُولِهِ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ» (نساء: ۱۳۶)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبرش و کتابی که بر او نازل کرده و کتب (آسمانی) که پیش‌ازین فرستاده است، ایمان (واقعی) بیاورید.

بنا بر برخی تفاسیر، مؤمن باید آنچه را در ظاهر پذیرفته است، به ایمان باطنی تبدیل کند یا در ایمان خود ثابت قدم باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ۱: ۵۱۸). خداوند در آیه ششم سوره تحریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَاراً وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْجِبَارَةُ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست، نگه‌دارید. از این آیه، می‌توان چنین برداشت کرد که حفظ کردن خانواده و فرزندان خود از آتش الهی، به مهیا کردن شرایط برای حفظ شدن ایمان آنان است.

یکی از ویژگی‌های کیفی ایمان، آن است که به صاحب خود ایمنی می‌بخشد؛ ایمنی روانی از اضطراب و تشویش به‌واسطه داشتن یک حامی قدرتمند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴ ب: ۲۶۴) یا ایمنی با رسیدن به ثواب و دوری از عذاب و قهر الهی (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴: ۵۰۶). قرآن به نقل از ابراهیم خلیل‌الرحمن علیه‌السلام می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَ هُمْ يُهْتَدُونَ»

(انعام: ۸۲)؛ آن‌ها که ایمان آوردند و ایمان خود را با شرک و ستم نیالودند، ایمنی تنها از آن‌هاست و آن‌ها هدایت یافتگان‌اند!
در نتیجه، اصلی‌ترین شاخصهٔ ایجابی کیفیت فرزند و جمعیت، ایمان است و می‌توان دیگر شاخص‌های کیفیت را به‌مثابه نمودهایی از آن قلمداد کرد. باین حال، نظر به اهمیت این شاخص‌ها، در ادامه به بررسی آن‌ها خواهیم پرداخت.

ب) اخلاص در بندگی

یکی از راه‌های دستیابی به شاخص‌های کیفیت فرزند و جمعیت، پیگیری اهداف آفرینش است و اینکه آیا فرزند تا چه حد آن‌ها را تأمین می‌کند. از منظر قرآن، انسان صرفاً برای بندگی خدا آفریده شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (ذاریات: ۵۶)؛ من جن و انس را نیافریدم، جز برای اینکه عبادتم کنند (و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند)؛ روشن است که از آنجا که عنوان «انسان» بر فرزندان او نیز بار می‌شود، پس هدف از آفرینش هر فرزند آن است که او خدای یکتا را پرستد. این مطلب از روایت طرح‌شده در عنوان پیشین نیز قابل برداشت است؛ اما دلالت قرآن بر لزوم داشتن اخلاص در عبادت خداوند نیز از آیات آن برمی‌آید؛ آنجا که می‌فرماید: «هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (غافر: ۶۵)؛ زنده (واقعی) اوست؛ معبودی جز او نیست؛ پس او را بخوانید درحالی که دین خود را برای او خالص کرده‌اید! ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است!

از کنار هم نهادن این دو آیه، این نتیجه به دست می‌آید که اگر فرزندی - با کمک والدین مؤمن و تربیت ایمانی آنان - به این هدف دست پیدا نکند، از این شاخص کیفیت محروم خواهد ماند.

ج) محبت به اهل بیت

دیگر شاخص ایجابی کیفیت که پس از دو شاخص پیشین حائز اهمیت فراوانی است، دوستی اهل بیت پیامبر خدا علیهم‌السلام است. این دوستی در واقع، روی دیگر سکهٔ ایمان است؛ یعنی کسی که کم‌ترین مرتبهٔ ایمان را دارد، نسبت به

اهل بیت علیهم السلام نیز دوستی دارد؛ چرا که معصومان علیهم السلام برترین مؤمنان هستند و قرآن می‌فرماید که مؤمنان دوست یکدیگرند (توبه: ۷۱). از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «أَدْبُوا أَوْلَادَكُمْ عَلَى حُبِّي وَ حُبِّ أَهْلِ بَيْتِي وَالْقُرْآنِ» (شوشتری، ۱۴۰۴، ق، ۱۸: ۴۹۸)؛ فرزندان خود را بر محبت من، اهل بیتم و قرآن تربیت کنید. روایات متعددی ایمان و محبت اهل بیت علیهم السلام را قرین یکدیگر دانسته‌اند. در نهج البلاغه آمده است: «لَوْ ضَرَبْتُ خَيْشُومَ الْمُؤْمِنِ بِسَيْفِي هَذَا عَلَى أَنْ يُبْغِضَنِي مَا أَبْغَضَنِي وَلَوْ صَبَبْتُ الدُّنْيَا بِجَمَاتِنَا عَلَى الْمُنَافِقِ عَلَى أَنْ يَحِبَّنِي مَا أَحَبَّنِي وَ ذَلِكَ أَنَّهُ قُضِيَ فَأَنْقَضَى عَلَى لِسَانِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ يَا عَلِيُّ لَا يَبْغِضُكَ مُؤْمِنٌ وَلَا يَحِبُّكَ مُنَافِقٌ» (شریف رضی، ۱۳۹۶: ۴۵۱، حکمت ۴۵)؛ اگر با شمشیرم بر بینی مؤمن بزنم که دشمن من شود، با من دشمنی نخواهد کرد و اگر تمام دنیا را به منافق ببخشم تا مرا دوست بدارد، دوست من نخواهد شد و این بدان جهت است که قضای الهی جاری شد و بر زبان پیامبر امی صلی الله علیه و آله گذشت که فرمود: ای علی! مؤمن تو را دشمن نگیرد و منافق تو را دوست نخواهد داشت.

در برخی روایات، ایمان منشأ دوستی اهل بیت علیهم السلام دانسته شده است و کفر موجب دشمنی آنان (ثقفی، ۱۴۱۰، ق، ۱: ۲۸). در روایتی از امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است: «فَطُوبَى لِمَنْ رَسَخَ حُبُّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ فِي قَلْبِهِ لِيَكُونَ الْإِيمَانُ أَثْبَتَ فِي قَلْبِهِ مِنْ جَبَلٍ أَحَدٍ فِي مَكَانِهِ وَمَنْ لَمْ تَصِرْ مَوَدَّتْنَا فِي قَلْبِهِ انْمَاثَ الْإِيمَانُ فِي قَلْبِهِ كَانْمِيَاثِ الْمُلْحِ فِي الْمَاءِ» (هلالی، ۱۴۰۵، ق، ج ۲: ۸۲۰)؛ پس خوشا به حال کسی که محبت ما اهل بیت در دلش رسوخ کرده است؛ تا ایمان در دلش پابرجاتر از کوه احد در جایگاهش باشد. هر کس محبت ما در قلبش چنین نباشد، ایمان در دلش ذوب می‌شود، همان‌گونه که نمک در آب حل می‌شود.

(د) پرهیزکاری

ویژگی کیفی دیگر که باید در فرزندان ایجاد شود و ارتقا یابد، تقوا و پرهیزکاری است. قرآن تنها در دو آیه، مخاطب خود را به رعایت حکمی در حد توان - یعنی تا جایی که می‌تواند - مکلف کرده است؛ یکی در پرهیزکاری و دیگری در گردآوردن نیرو در برابر دشمن (انفال: ۶۰). خداوند درباره پرهیزکاری می‌فرماید:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ» (تغابن: ۱۶)؛ پس تا می‌توانید تقوای الهی پیشه کنید. حال باید دید حد تمام و کمال پرهیزکاری چیست. پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بیانی، کمال تقوا را چنین معنا فرموده است: «تَمَامُ التَّقْوَى أَنْ تَتَعَلَّمَ مَا جِبَلْتُ وَ تَعْمَلَ بِمَا عَلِمْتُ» (مسعودبن‌عیسی، ۱۴۱۰ ق، ۲: ۱۲۰)؛ تمام پرهیزکاری به آن است که آنچه نمی‌دانی فراگیری و به آنچه می‌دانی، عمل کنی؛ بنابراین پرهیزکاری کامل دو بعد دارد: ۱. فراگیری آنچه نمی‌دانی؛ ۲. عمل کردن به آنچه می‌دانی. در روایتی از امیرمؤمنان علی علیه‌السلام آمده است: «وَاللَّهِ مَا سَأَلْتُ رَبِّي وَوَلَدًا نَضِيرَ الْوَجْهِ وَلَا سَأَلْتُ وَوَلَدًا حَسَنَ الْقَامَةِ وَلَكِنْ سَأَلْتُ رَبِّي وَوَلَدًا مُطِيعِينَ لِلَّهِ خَائِفِينَ وَجَلِيلِينَ مِنْهُ حَتَّى إِذَا نَظَرْتُ إِلَيْهِ وَهُوَ مُطِيعٌ لِلَّهِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ ق، ۳: ۲۸۰)؛ به خدا سوگند از خدا فرزندی زیباروی و نیکو قامت طلب نکرده‌ام بلکه از پروردگارم فرزندان خواسته‌ام که فرمان‌بردار او باشند؛ از او هراسناک باشند؛ تا هرگاه به هریک از آنان نگاه می‌کنم درحالی که او مطیع خداوند است، چشمم روشن شود.

از این روایت برمی‌آید که مؤمن باید تنها در پی فرزندان با چنین کیفیتی باشد که یکی از آن‌ها خوف و هراس از خداوند است که رابطه‌ی نزدیکی با پرهیزکاری دارد.

ه) نیکوکاری به والدین

از منظر قرآن، روایات، عقل و عرف بی‌شک فرزند باید نسبت به والدین خود که او را به عرصه‌ی حیات آورده‌اند، بسیار نیکوکار باشد. خداوند در آیه‌های متعددی از این مطلب پرده برداشته است؛ محض نمونه، آنجا که می‌فرماید: «وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (نساء: ۳۶)؛ و خدا را پرستید! و هیچ چیز را همتای او قرار ندهید! و به پدر و مادر، نیکی کنید. آیه‌ای دیگر صریحاً بیان می‌فرماید که حتی اگر والدین مشرک بودند، فرزند باید در دنیا با آن‌ها به نیکی رفتار کند (لقمان: ۱۵). در منطق قرآن، فرزند نباید کوچک‌ترین اهانتی به پدر و مادر پیر خود روا دارد، نباید آن‌ها را از خود براند، بلکه باید با آنان بزرگووارانه سخن بگوید (اسراء: ۲۳).

نیکوکاری به هر دوی والدین لازم است؛ ولی خداوند در آیه‌هایی بر نقش مهم‌تر مادر تأکید ورزیده است که طبیعتاً نسبت به او حقوق بیشتری را بر

عهده فرزند خواهد آورد. محض نمونه، خداوند می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كَرْهًا وَوَضَعَتْهُ كَرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا» (احقاف: ۱۵)؛ ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد؛ و دوران حمل و از شیر بازگرفتنش سی ماه است (لقمان: ۱۴).

هر فرزند به نوبه خود می‌تواند منشأ نیکی به والدین خود باشد. اینجاست که ارتباط کمیت و کیفیت، خود را نشان می‌دهد؛ چراکه هرچه تعداد فرزندان بیشتر باشد، طبیعتاً والدین از این ویژگی و شاخص آنان بهره بیشتری خواهند برد.

ز) پیشوایی پرهیزکاران

از دیگر شاخص‌های کیفیت که مربوط به امور معنوی است، رهبری و پیشوایی فرزند نسبت به پرهیزکاران است؛ یعنی مطلوب آن است که فرزند تنها به مراتب پایین پرهیزکاری شخصی اکتفا نکند و خود را تا جایی رشد دهد که الگوی دیگر پرهیزکاران شود. این کیفیت نیز در یکی از دعاهای قرآنی والدین برای فرزندان آمده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» (فرقان: ۷۴)؛ و کسانی که می‌گویند: «پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشن چشم ما قرار ده و ما را برای پرهیزکاران پیشوا گردان!»؛ یعنی ما را از کسانی قرار ده که پرهیزکاران به آنها اقتدا می‌کنند؛ کسانی که عزت را با پرهیزکاری طلب می‌کنند؛ نه با دنیاطلبی (طبرسی، ۱۳۷۲، ۷: ۲۸۴). معنای این دعا آن است که خدایا! زمینه‌ای فراهم‌ساز که فرزندان ما به‌سوی خیرات و رحمت تو سبقت بگیرند، پس دیگران نیز در این راه از آنان پیروی کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ق، ۱۵: ۲۴۵).

این شاخص‌ها از مهم‌ترین نمونه‌های شاخص‌های ایجابی کیفیت در ارتباط با فرزند و جمعیت هستند که در قرآن و روایات از آنها یاد شده است. برخی موارد دیگر را می‌توان در نشانی‌های ذیل پیگیری کرد: بقره، ۱۶۵؛ آل‌عمران، ۱۷، ۱۵۹؛ توبه، ۱۱۲؛ حج، ۳۴.

البته، برشمردن این شاخص‌ها، بدان معنا نیست که فرزندان باید به همه آنها در بالاترین درجه دست یابند. بلکه مسلماً چنین حالتی بسیار مطلوب است، ولی

در عمل ممکن است هریک از فرزندان به برخی از درجه‌های این امور دست یابد؛ یا به برخی از آن‌ها اصلاً نرسد. با این حال، ایمان، پرستش خالصانه خداوند و محبت اهل بیت علیهم‌السلام قابل چشم‌پوشی نیستند و فرزند باید دست کم پایین‌ترین درجه آن‌ها را داشته باشد.

۵. رابطه کمیت و کیفیت

با قبول اینکه کمیت و کیفیت دو اصل جمعیتی در اسلام هستند، آیا آن‌ها رابطه و تأثیری با یکدیگر دارند؟ به نظر می‌رسد که بالا رفتن یا پایین آمدن کمیت جمعیت، می‌تواند بر کیفیت آن تأثیرگذار باشد. برخی کیفیت‌ها از کمیت برمی‌خیزند که در ادامه به این مطلب خواهیم پرداخت.

۱-۵. دیدگاه‌های دانشمندان علوم انسانی

دانشمندان علوم انسانی درباره رابطه کم و کیف جمعیت، دیدگاه‌های مختلفی دارند. برخی پژوهش‌های روان‌شناختی، افزایش شمار فرزندان را موجب استحکام ساختار خانواده می‌دانند (ساطوریان، ۱۴۰۱: ۱۹). برخی اقتصاددانان نیز معتقدند که افزایش کمیت جمعیت، نه تنها به کیفیت آن آسیب نمی‌رساند بلکه به بهبود سطح کیفیت آن نیز می‌انجامد؛ چرا که دست کم افزایش و پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی، مایه رشد هوش افراد و نوآوری‌های آنان خواهد شد (توکلی، ۱۳۹۵: ۹۵).

برخی دیگر، معتقدند که کاهش فرزند آوری جامعه را خودبه‌خود به سمت کیفیت‌های منفی پیش می‌برد. تحلیل این مطلب آن است که کاهش فرزند آوری و جمعیت صرفاً یک رفتار بدون مفاهیم، معنای شناختی و هنجارهای اجتماعی نیست و همراه آن ارزش‌هایی بر جامعه حاکم می‌شوند. از جمله این ارزش‌ها، کاهش «ارزش فرزند» است که موجب تغییر معنا و هدف از فرزند آوری می‌گردد. این هنجارهای جدید، نه تنها تعداد فرزندان را کاهش می‌دهند، عملاً به تک‌فرزندی و بی‌فرزندی در خانواده‌ها منتهی می‌شوند. دلیل آن هم این است که اهداف دیگری جایگزین آن می‌شود مانند رفاه و تغییر مفهوم بهتر بودن زندگی.

اگر ارزش فرزند کاهش پیدا کرد، نقش زن و مادر هم عوض می‌شود و ابتدا به شریک جنسی مشروع تقلیل می‌یابد؛ ولی رفته‌رفته چون در مباحث خانواده و کاهش فرزند نوعی تقابل با ارزش‌های دینی به چشم می‌خورد، دیگر نیازی احساس نمی‌شود که شریک جنسی مشروع باشد. این نوعی تحلیل عقلی - روان‌شناختی است که تجربه‌های زیسته کشورهای که دچار کاهش جمعیت شده‌اند، آن را تأیید می‌کند. این‌گونه است که این کشورها به دلیل کاهش جمعیت دچار نوعی انقلاب جنسی نیز شده‌اند.

علت این پدیده - آن‌گونه که برخی دانشمندان بیان کرده‌اند - آن است که در اثر کاهش جمعیت، آیین‌های دینی، مانند آموزش قرآن و آداب مذهبی به کودکان، به‌عنوان پایه‌ی اساسی تجربه‌ی مذهبی برای بسیاری از مردم، کم‌رنگ‌تر می‌شود. در نتیجه روابط مردم با مکان‌های مذهبی کمتر می‌شود. رفته‌رفته درک مردم از ازدواج تغییر می‌کند؛ یعنی به‌جای اینکه ازدواج را عمدتاً روشی برای تولد و پرورش کودکانی با کارایی بالا در اجتماع ببینند، به این نتیجه می‌رسند که آن را به چیزهای دیگری، نظیر همراهی جنسی، معنا کنند. وقتی معنای ازدواج بیشتر به همراهی جنسی تعریف شد تا فرزند آوری، افراد بیشتر پذیرای کسانی هستند که به دنبال گزینه‌هایی خارج از چارچوب ازدواج سنتی هستند و حتی رو به همجنس‌گرایی می‌آورند (جنکینز، ۲۰۰۷).

۵-۲. دلالت‌های قرآن و روایات

در برخی آیه‌های قرآن، کمیت در کیفیت مؤثر دانسته شده است؛ مانند آیه‌ای که می‌فرماید: «إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِتَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُم مُّرْسَلُونَ» (یس: ۱۴)؛ هنگامی که دو نفر از رسولان را به‌سوی آن‌ها فرستادیم، اما آنان رسولان (ما) را تکذیب کردند؛ پس برای تقویت آن دو، شخص سومی فرستادیم، آن‌ها همگی گفتند: ما فرستادگان (خدا) به‌سوی شما هستیم! روشن است که آمدن پیامبر سوم، یعنی افزوده شدن بر کمیت دو پیامبر پیشین، به‌تصریح خود آیه، باعث تقویت و ارتقای کیفیت آن دو شد. در روایت معتبر و مفصلی از امام رضا علیه‌السلام، نکاتی راجع به اهمیت ازدواج و فواید آن آمده

است که از آن می‌توان نکاتی درباره رابطه کمیت و کیفیت استفاده کرد؛ آنجا که می‌فرماید: «وَلَوْلَمْ يَكُنْ فِي الْمَنَاحِكَةِ وَالْمَصَاهِرَةِ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ، وَلَا سُنَّةٌ مُتَّبَعَةٌ، وَلَا أَثَرٌ مُسْتَفِيضٌ، لَكَانَ فِيمَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَرِّ الْقَرِيبِ، وَتَقَرُّبِ الْبَعِيدِ، وَتَأْلِيفِ الْقُلُوبِ، وَتَشْبِيكِ الْحُقُوقِ، وَتَكْثِيرِ الْعَدَدِ، وَتَوْفِيرِ الْوَالِدِ لِنَوَائِبِ الدَّهْرِ، وَحَوَادِثِ الْأُمُورِ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۱۰: ۷۰۰)؛ اگر در [بارة فایده] ازدواج آیه‌ای محکم، سنتی پیروی شده و روایتی پرتکرار وجود نداشت، هرآینه خداوند نیکی کردن به نزدیکان، نزدیک ساختن افراد دور، ایجاد الفت بین دل‌ها، درهم‌تنیده ساختن حقوق، افزایش تعداد و فراوان ساختن فرزندان را برای پیشامدهای روزگار و حوادث [آن] قرار داده است.

می‌توان از این روایت چنین برداشت نمود که روابط گوناگون بین افراد خانواده و جامعه وجود دارد که ناشی از حقوق و تکالیف مختلف هستند؛ خصوصاً در روزهای بروز حوادث گوناگون. این روابط می‌تواند به روشنی موجب افزایش بهره‌هوشی و هوش عاطفی ۲ افراد آن جامعه و کیفیت‌های اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی آنان گردد. برعکس، اگر مردم از ازدواج روی گردان شوند و رفته‌رفته از شمار جامعه کاسته شود، این شبکه‌های حقوق، تکالیف و روابط شکل نمی‌گیرند یا تضعیف می‌شوند و آثار زیان‌باری بر کیفیت‌های نامبرده خواهند داشت.

با تأمل در انواع این کیفیت‌ها، درمی‌یابیم که افزایش جمعیت به دو نحو در ایجاد و ارتقای کیفیت می‌تواند اثرگذار باشد: گاه صرف افزایش کمی - به‌مثابه علتی تکوینی - موجب ارتقای کیفیت فرزندان و جامعه می‌گردد؛ مانند تحکیم خانواده بر اثر بالا رفتن تعداد فرزندان؛ اما گاه در کنار افزایش جمعیت، نیاز به‌نوعی فعالیت اختیاری یا مدیریت نیز هست و در غیر این صورت، کیفیت ارتقا نمی‌یابد. شاخص‌های معنوی کیفیت از این قسم هستند.

۶. تصویر دو نوع تراحم درباره فرزند آوری و نقد آن‌ها

۶-۱. تراحم بین کیفیت و کمیت فرزندان

این تراحم را ضمن مثالی توضیح می‌دهیم: فرض کنید که والدینی در حال

1- Intelligence quotient (IQ).

2- Emotional quotient (EQ).

حاضر یک یا دو فرزند دارند و به تربیت آن‌ها مشغول‌اند. حال، اگر به آن‌ها بگوییم که مطلوب است فرزندان بیشتری بیاورید، ممکن است برخی از آن‌ها مدعی شوند که در این صورت، دیگر نمی‌توانیم برای تربیت فرزندان قبلی وقت بگذاریم؛ بنابراین دو تکلیف متوجه آن‌هاست - یکی لزوم پرداختن به کیفیت فرزندان پیشین و دیگری مطلوبیت فرزند آوری جدید - که نمی‌توانند هر دوی آن‌ها را در یک‌زمان انجام دهند. این حالت در دانش اصول فقه «تزام» نام دارد (حسینی، ۱۴۱۵ ق: ۵۱) و تنها راه برون‌رفت از آن، عمل کردن به تکلیف مهم‌تر است؛ مثل اینکه تکلیف در یکی از آن دو از تأکید و شدت بیشتری برخوردار باشد (انصاری، ۱۴۲۴ ق، ۴: ۵۲).

آنچه گذشت تصویر التزام موردادعا بود، اما با تأمل در این تصویر می‌توان ادعا کرد که اصولاً در اینجا التزامی وجود ندارد؛ چراکه خانواده‌های با فرزندان بیشتر، وقت بیشتری برای تربیت فرزندان دارند آن‌گونه که برخی پژوهشگران معتقدند، شرایط تربیتی خانواده‌های تک یا دو فرزند، سخت‌تر است؛ زیرا والدین باید خود اوقات فرزندان را پر کنند؛ اما در خانواده‌های چند فرزند، بخشی از زمان فرزندان با یکدیگر سپری می‌شود و فرزندان بزرگ‌تر در پر کردن اوقات فراغت فرزندان کوچک‌تر به والدین یاری می‌رسانند (عباسی ولدی، ۱۳۹۲: ۱۸۱ - ۱۷۵).

۶-۲. التزام بین شاخص‌های کیفیت

شکل دیگر التزام، بین شاخص‌های مادی و معنوی کیفیت صورت می‌گیرد. والدین چنین برآورد می‌کنند که اگر بخواهند مجدداً فرزند آوری کنند، باید از برخی مواهب مادی چشم‌پوشند. در این صورت، بین مطلوب بودن حفظ شرایط اقتصادی فعلی که در شأن آنان است و فرزند آوری جدید، التزام تصور شده است؛ اما این تصویر از التزام نیز صحیح نیست؛ چراکه خداوند در قرآن صراحتاً وعده داده است که من روزی هر جنبنده‌ای را می‌دهم: «وَمَا مِنْ ذَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ» (هود: ۶)؛ هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست، مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است!

خداوند به فرزند در رحم مادر علم دارد و او را در آنجا روزی می‌دهد؛ وقتی که نوزاد به دنیا می‌آید، روزی او، از پیش در پستان مادر آماده شده است. آیا چنین خدای مهربانی از روزی‌رسانی به فرزند در مراحل دیگر زندگی‌اش غافل می‌گردد؟

در روایت معتبری از بکر بن صالح آمده است که او به امام موسی بن جعفر علیهما السلام نامه نوشت و در آن بیان کرد که چند سالی است از فرزنددار شدن اجتناب کرده است و این به خاطر آن است که همسر او به دلیل کمبود مایحتاج زندگی از این کار کراهت دارد. حضرت در پاسخ نگاشت: «اطْلُبِ الْوَلَدَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَرْزُقُهُمْ» (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ۱۱: ۳۳۰)؛ در طلب فرزند باش که خداوند عزوجل او را روزی می‌دهد.

نتیجه‌گیری

اسلام ضمن حمایت از دیدگاه افزایش جمعیت و تأکید بر افزایش اندازه خانواده و جامعه، به اصل دیگر جمعیتی، یعنی کیفیت، بها داده است. اصل کمیت، پیشینی است؛ یعنی کمیت شرط لازم کیفیت است. پرداختن به کیفیت، اصلی پسینی است، ولی این به معنای اهمیت درجه‌دوی آن نیست؛ آیه‌های متعددی بر مطلوب بودن افزایش کمیت جمعیت دلالت دارند؛ مانند آیه ۶۰ سوره انفال. همچنین آیه‌های فراوانی بر اهمیت کیفیت در اسلام دلالت دارند. جمع بین این دودسته آیات، آن است که از دید قرآن و روایات، دو اصل کمیت و کیفیت به موازات یکدیگر پیش می‌روند و هیچ کدام فدای دیگری نمی‌شوند.

شاخص‌های کیفیت را می‌توان به دو قسم ایجابی و سلبی تقسیم کرد که شاخص‌های ایجابی خود بر دو قسم مادی و معنوی هستند. برخی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت (ایجابی معنوی) عبارت‌اند از: ایمان، اخلاص در بندگی، محبت اهل بیت علیهم السلام، پرهیزکاری، نیکوکاری به والدین و پیشوایی پرهیزکاران. شاخص‌های کیفیت مادی نیز مدنظر قرآن و روایات بوده‌اند و وجود آن‌ها گاه مقدمه رسیدن به سعادت آخرتی است.

برخی کیفیت‌ها از کمیت برمی‌خیزند؛ بهره‌هوشی، هوش هیجانی و کیفیت‌های

منابع

- * قرآن، مترجم: ناصر مکارم شیرازی.
- ۱- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، (۱۳۷۹ ق). مناقب آل ابی طالب علیهم السلام (لابن شهر آشوب)، قم، علامه.
- ۲- انصاری، مرتضی، (۱۴۲۴ ق). فرائد الأصول، إعداد و تحقیق: لجنة تحقیق التراث الشیخ الأعظم، ط الرابعة، قم، شریعت.
- ۳- بانکی پور فرد، امیرحسین، (۱۴۰۱/۰۷/۱۸). وزن کیفیت در قانون جمعیت، پایگاه اطلاع رسانی قدس آنلاین، <https://www.qudsonline.ir/news>، ۸۲۰۲۰۳.
- ۴- بردستانی، زهرا، (۱۴۰۰). «نقش فرزندآوری و فرزندپروری در افزایش کیفیت زندگی از منظر آیات و روایات»، مطالعات تربیتی و روان‌شناختی خانواده، س ۳، ش ۵، صص ۵۴-۷۷.
- ۵- پایگاه اطلاع رسانی حوزه، (بی تا)، کاهش جمعیت و تأثیر آن بر سلامت فرد و خانواده از دیدگاه اسلام، <https://hawzah.net/fa/Article/View>، ۹۹۰۴۷.
- ۶- پایگاه اطلاع رسانی دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی، (بی تا)، <https://old.makarem.ir/main.aspx?reader=1&lid=0&mid=29192&catid=0&pid=61909>.
- ۷- پایگاه اینترنتی ایکس شبیه، (بی تا)، <https://www.x-shobhe.com/etc/6241.html>.
- ۸- پورعیسی چافجیری، حمید، (۱۳۹۵)، جمعیت طوبی، قم، میراث ماندگار.
- ۹- توانا، امین، (۱۳۹۸/۱۲/۱۴). فرزند، کمیت یا کیفیت؟ مسئله این است! پایگاه اینترنتی راسخون، <https://rasekhoon.net/article/show/1502438>.
- ۱۰- توکلی، محمدجواد، (۱۳۹۵). اقتصاد جمعیت (از اقتصاد متعارف تا اقتصاد مقاومتی)، قم، وثوق.
- ۱۱- تقفی، ابراهیم بن محمد، (۱۴۱۰ ق). الغارات، قم، دار الکتب الإسلامی.
- ۱۲- چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۳۹۷). بحران خاموش: واکاوی جامعه‌شناختی علل فرهنگی - اجتماعی کاهش باروری در ایران، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۱۳- چراغی کوتیانی، اسماعیل، (۱۴۰۰). «شاخصه‌های جامعه‌شناختی انتظار راهبردی در مکتب شهید سلیمانی»، جامعه مهدوی، سال دوم، شماره اول، س ۲، ش ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۱۱۶-۱۴۰.
- ۱۴- حسینی، محمد، (۱۴۱۵ ق). معجم المصطلحات الأصولیه، بیروت، مؤسسه العارف للمطبوعات.
- ۱۵- خامنه‌ای، سیدعلی، (۱۳۹۹/۰۱/۰۳)، «سخنرانی نوروزی خطاب به ملت ایران»، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4522>.
- ۱۶- درویشی، باقر و نامداری، لیدا، (۱۳۹۹). «آزمون مدل کمیت - کیفیت فرزندان در خانواده‌های شهری ایران»، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، س ۲۰، ش ۳، پاییز ۱۳۹۹، صص ۱۶۷-۱۸۸.

- ۱۷- دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، (۱۳۹۳/۰۳/۳۰)، ابلاغ سیاست‌های کلی «جمعیت»، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440>.
- ۱۸- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ ق). *مفردات ألفاظ القرآن*، بیروت، دار القلم.
- ۱۹- رجیبی، محمود، (۱۳۹۱). *روش تفسیر قرآن*، ویراست دوم، چ پنجم، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- ۲۰- زحیلی، وهبة بن مصطفى (۱۴۱۸ ق)، *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*، ط الثانية، بیروت - دمشق، دار الفکر المعاصر.
- ۲۱- زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷ ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، مصحح: حسین احمد، مصطفی، ط الثالثة، لبنان - بیروت، دار الکتب العربی.
- ۲۲- ساطوریان، سیدعباس، (۱۴۰۱). *چند دانه یاقوت: فرزندخواهی، فرزندآوری، چ دوم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)*، مرکز مشاوره و روان‌درمانی مأوا.
- ۲۳- سقایی بی‌ریا، محمدجواد، (۱۴۰۲). «دلالت‌های صحیفه سجادیه بر مسئله کمیت جمعیت و دیدگاه مستنبط از آن‌ها»، *دوفصلنامه علمی - پژوهشی دعاپژوهی*، س ۳، ش ۴، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص ۳۸-۱۸، شناسه دیجیتال (DOI). ۲۲۰۸۴/۱۰/۲۸۲۰۳/۲۰۲۳
- ۲۴- سیدمیرزایی، سیدمحمد، (۱۳۷۶). «جمعیت و کیفیت زندگی»، *فصلنامه جمعیت*، ش ۲۱ و ۲۲، صص ۹۹-۸۱.
- ۲۵- شاذلی، سیدبن قطب بن ابراهیم، (۱۴۱۲ ق). *فی ظلال القرآن*، ط السابعة عشرة، بیروت - قاهره، دار الشروق.
- ۲۶- شوشتری، نورالله بن شریف‌الدین، (۱۴۰۴ ق). *إحقاق الحق و إزهاق الباطل*، قم، مکتبه آبه الله المرعشی العامه.
- ۲۷- شهیدی، جعفر، معین، محمد، گروهی از نویسندگان و دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳). *لغت نامه دهخدا*، تهران - ایران، روزنه.
- ۲۸- طباطبائی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، ط الثانية، لبنان - بیروت، مؤسسه الأعلمی للطبوعات.
- ۲۹- طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، مصحح: یزدی طباطبائی، فضل الله و رسولی، هاشم، ط الثالثة، ایران - تهران، ناصرخسرو.
- ۳۰- عباسی ولدی، محسن، (۱۳۹۲). *ایران! جوان بمان! چ نهم*، قم، جامعه الزهرا (س).
- ۳۱- علی بن ابی طالب، امام اول، (۱۳۹۶). *نهج البلاغه*، مترجم: محمد دشتی، قم، نشتا.
- ۳۲- علی بن الحسین، امام چهارم، (۱۳۹۸). *صحیفه سجادیه*، مترجم: محمد مهدی رضایی، چ دوم، قم، جمال.
- ۳۳- فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹ ق). *کتاب العین*، ط الثانية، قم، هجرت.
- ۳۴- کاظمی پور، شهلا، (۱۳۸۸). *مبانی جمعیت‌شناختی*، تهران، مرکز مطالعات و پژوهش‌های جمعیتی آسیا و اقیانوسیه.

- ۳۵- کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۲۹ ق). الکافی، محقق / مصحح: دارالحدیث، قم، دار الحدیث.
- ۳۶- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور)، (۱۳۸۲). نرم افزار درایة النور، نسخه ۱/۲.
- ۳۷- مدرسی، سید محمد تقی (۱۴۱۹ ق). من هدی القرآن، تهران، دار محیی الحسین علیه السلام.
- ۳۸- مسعود بن عیسی، ورام بن ابی فراس، (۱۴۱۰ ق). تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام، قم، مکتبة فقیه.
- ۳۹- مغنیه، محمد جواد، (۱۴۲۴ ق). تفسیر الکاشف تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- ۴۰- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۴ الف). اخلاق در قرآن ج ۱، تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴۱- مصباح یزدی، محمد تقی و اسکندری، محمد حسین، (۱۳۹۴ ب). اخلاق در قرآن ج ۲، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴۲- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۴ ج). اخلاق در قرآن ج ۳، تحقیق و نگارش: محمد حسین اسکندری، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴۳- مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۰). سجاده های سلوک ج ۱، چ هشتم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- ۴۴- مفید، محمد بن محمد، (۱۴۱۳ ق). الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، محقق / مصحح: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، کنگره شیخ مفید.
- ۴۵- مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، چ دهم، ایران - تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- ۴۶- نیک خلق، علی اکبر، (۱۳۸۱). مبانی جمعیت شناسی، چ دوم، تهران، بهینه.
- ۴۷- هلالی، سلیم بن قیس، (۱۴۰۵ ق). کتاب سلیم بن قیس الهلالی، ایران؛ قم، الهادی.
- 48- Jenkins, Phillip, (November 5, 2007), "The Infertile Crescent," The New Republic, <http://www.newrepublic.com/article/infertile-crescent-0>

References

- * The Holy Qur'an, translator: Nasir Makarem Shirazi.
- 1- Abbasi Voldi, Mohsen, (1392). Iran! Stay young! 9th edition, Qom, Al-Zahra (AS) University.
 - 2- Al-Ansari, Mortaza, (1424 AH). Fara'id al-Usoul, preparation and research: Al-Sheikh Al-Azam Research Committee, 4th edition, Qom, Shariat.
 - 3- Al-Farahidi, Khalil bin Ahmed, (1409 AH). Kitab Al-Ain, 2nd edition, Qom, Hijrat.
 - 4- Al-Hilali, Sulaim bin Qais, (1405 AH). Kitab Sulaim bin Qais al-Hilali, Iran; Qom, Al-Hadi.
 - 5- Al-Husseini, Muhammad, (1415 AH). Ma'jam al-Mustalahat al-Usouliyah, Beirut, Al-Arif Foundation for Press.
 - 6- Ali bin Abi Talib, The First Imam, (1396). Nahj al-Balagheh, translator: Mohammad Dashti, Qom, Nashta.
 - 7- Ali ibn al-Hussein, The Fourth Imam, (1398). Al-Sahifah Al-Sajjadiyah, translator: Mohammad Mehdi Rezaei, 2nd edition, Qom, Jamal.
 - 8- Al-Kulaini, Muhammad bin Yaqub, (1429 AH). Al-Kafi, researcher/corrector: Dar al-Hadith, Qom, Dar al-Hadith.
 - 9- Al-Mudarrisi, Seyyed Mohammad Taghi (1419 AH). Min Huda al-Qur'an, Tehran, Dar Muhibbi al-Hussein (AS).
 - 10- Al-Mufid, Muhammad bin Muhammad, (1413 AH). Al-Irshad fi Marifat Hujajullah ala al-Ibad, researcher/corrector: Aal al-Bayt (AS) Foundation, Qom, Sheikh Mufid Congress.
 - 11- Al-Mughniyah, Mohammad Jawad, (1424 AH). Tafsir al-Kashif, Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyya.
 - 12- Al-Raghib Al-Isfahani, Hussein bin Muhammad, (1412 AH). Mufradat Alfaz al-Qur'an, Beirut, Dar al-Qalam.
 - 13- Al-Shadhli, Sayyid bin Qutb bin Ibrahim, (1412 AH). Fi Dhilal al-Qur'an, vol. 17, Beirut-Cairo, Dar al-Sharooq.
 - 14- Al-Shushtari, Nurullah bin Sharifuddin, (1404 AH). Ihqaq al-Haq wa Izhaq al-Batil, Qom, Ayatollah al-Marashi Library.
 - 15- Al-Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372). Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an, edited by: Yazdi Tabatabaei, Fazlollah and Rasouli, Hashem, 13th edition, Iran-Tehran, Naser Khosro.
 - 16- Al-Thaqafi, Ibrahim bin Muhammad, (1410 AH). Al-Ghaarat, Qom, Dar al-Kitab al-Islami.
 - 17- Al-Zamakhshari, Mahmud bin Omar, (1407 AH). Al-Kashshaf an Haqa'iq Ghawamid al-Tanzil wa Uyoun al-Aghawil fi Wojouh al-Ta'wil, edited by: Hussein Ahmad, Mustafa, 3rd edition, Lebanon-Beirut, Dar Al-Kitab Al-Arabi.
 - 18- Al-Zuhaili, Wahba bin Mustafa (1418 AH), Al-Tafsir al-Munir fi al-Aqeedah wa al-Shari'a wa al-Manhaj, 2nd edition, Beirut-Damascus, Dar al-Fikr al-Mu'asir.

- 19- Bankipour Fard, Amir Hossein, (1401/07/18). Evaluation of Quality in Population Law, Quds Online Information Base, <https://www.qudsonline.ir/news/820203>
- 20- Bardestani, Zahra, (1400). "The role of childbearing and parenting in increasing the quality of life from the perspective of the Quran and Hadiths", Educational and Psychological Studies of the Family, Issue 3, vol. 5, pp. 54-77.
- 21- Cheraghi Kotiani, Ismail, (1397). The Silent Crisis: Sociological analysis of cultural-social causes of fertility decline in Iran, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 22- Cheraghi Kotiani, Ismail, (1400). "Sociological indicators of strategic expectation in the school of Shahid Soleimani", Jamia Mahdavi, Year 2, Issue 1, Spring and Summer 1400, pp. 116-140.
- 23- Computer Research Center for Islamic Sciences (Noor), (1382). Dirayah al-Noor software, version 1/2.
- 24- Darvishi, Bagher; Namdari, Lida, (1399). "A test of the quantity-quality model of children in urban families in Iran", Economic Research (Sustainable Growth and Development), Issue 20, No. 3, Fall 1399, pp. 167-188.
- 25- Hawzah information data base, (n.d), population decline and its effect on individual and family health from the perspective of Islam, <https://hawzah.net/fa/Article/View/99047>
- 26- Ibn Shahrashoub Mazandarani, Muhammad bin Ali, (1379 AH). Manaqib Aal Abi Talib (AS), Qom, Allameh.
- 27- Jenkins, Phillip, (November 5, 2007), "The Infertile Crescent," The New Republic, <http://www.newrepublic.com/article/infertile-crescent-0>
- 28- Kazmipour, Shahla, (1388). Demographic Basics, Tehran, Center for Demographic Studies and Research of Asia and the Pacific.
- 29- Khamenei, Seyed Ali, (1399/01/03), "Speech to the Iranian Nation in Nowrouz", Office of Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khamenei, <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=4522>
- 30- Makarem Shirazi, Nasir et al., (1371). Tafsir Nomooneh, 10th edition, Iran-Tehran, Dar al-Kutub al-Islamiyya.
- 31- Masoud bin Eisa, Warram bin Abi Faras, (1410 AH). Tanbih al-Khwatir wa Nuzha al-Nawadir, known as Majmua of Warram, Qom, Faqih Bookstore.
- 32- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1394). Ethics in the Qur'an, Vol. 1, researched and edited by: Mohammad Hossein Eskandari, 8th edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 33- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1394). Ethics in the Qur'an, Vol. 2, research and writing: Mohammad Hossein Eskandari, 8th edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 34- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1394). Ethics in the Qur'an, Vol. 3, research and writing: Mohammad Hossein Eskandari, 8th edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.

- 35- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, (1390). Sajjadeha-ye Sulouk, Vol. 1, 8th edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 36- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi, 8th edition, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institute.
- 37- Office of Preservation and Publication of the Works of Ayatollah Khomeini, (1393/03/30), notification of the general policies of "Population", <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=26440>
- 38- Nikkholk, Ali Akbar, (1381). Basics of Demography, 2nd edition, Tehran, Behineh.
- 39- Pour Isa Chafjiri, Hamid, (1395), Jamiat Touba, Qom, Miras Mandegar.
- 40- Rajabi, Mahmoud, (1391). The Method of Interpretation of the Qur'an, 2nd edition, 5th chapter, Qom, Hawzah and University Research Institute.
- 41- Saqqaye Biriya, Mohammad Javad, (1402). "The implications of Al-Sahifa Al-Sajjadiyeh on the problem of population size and the views derived from them", Scientific-Research Bi-Monthly Doa-pajouhi, Issue 3, No. 4, Spring and Summer 1402, pp. 18-38, digital ID (DOI). 10.22084/DUA.2023.28203.1020.
- 42- Satorian, Sayyid Abbas, (1401). A few ruby beads: childbearing, child bearing, Ch. II, Qom, Imam Khomeini (RA) Educational and Research Institution, Mawa Counseling and Psychotherapy Center.
- 43- Seyed Mirzaei, Seyed Mohammad, (1376). "Population and Quality of Life", Jamiat Quarterly, vol. 21 and 22, pp. 81-99.
- 44- Shahidi, Jafar, Moin, Mohammad, a group of writers and Dekhoda, Ali Akbar, (1373). Dictionary of Dekhoda, Tehran-Iran, Rozhaneh.
- 45- Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, (1390 AH). Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, 2nd edition, Lebanon-Beirut, Al-Alami Foundation for Press.
- 46- Tavakkoli, Mohammad Javad, (1395). Population Economy (from Conventional Economy to Resistance Economy), Qom, Wothouq.
- 47- Tawana, Amin, (1398/12/14). Children, quantity or quality? This is the question! Rasekhoon website, <https://rasekhoon.net/article/show/1502438>
- 48- The Office of Grand Ayatollah Makarem Shirazi Data Base, (n.d), <https://old.makarem.ir/main.aspx?reader=1&lid=0&mid=29192&catid=0&pid=61909>
- 49- X Shobhe website, (n.d), <https://www.x-shobhe.com/etc/6241>